

“مروری بر بیانیة هجدم مهندس موسوی”



سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۸۹ - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۰

نواز مصلی نژاد

بیانیة هجدهم آقای موسوی منتشر شد. گرچه در این بیانیة به نکات مثبتی اشاره شده است، اما تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی که در همه اظهار نظرهای آقای موسوی و ایضا در بیانیة اخیر نسبت به آن ابراز وفاداری شده است و همزمان تاکید ایشان نسبت به کرامت انسانی و حقوق بشر، تناقضی است که لازمه آن در گرو تسویه حساب همه جانبه با سیستم جمهوری اسلامی است، که بعید به نظر می‌رسد فعلاً آقای موسوی آمادگی چنین خانه‌تکانی ذهنی را داشته باشد.

در بیانیة هجدهم آقای موسوی می‌خوانیم:

“اینکه کشور ما بیشترین اعدام‌ها را نسبت به جمعیتش در جهان دارد، ناشی از بزهکاری گناهکاران نیست، ناشی از رخت بر بستن عدالت و مدیریت و حکومت خوب در جامعه ماست، و اینکه حتی مصلحت‌های روزمره و عاجل حکومت باعث نشده است که تمامیت خواهان و دولتیان دست از دروغ و فساد و خرافه و زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین بردارند، نشان از نفوذ عمیق این زشتی‌ها در لایه‌های درونی نظام دارد.”

آقای موسوی درست می‌گویند که بیشترین اعدام‌ها به نسبت جمعیت در ایران صورت می‌گیرد و این هم درست است که این اعدام‌ها ناشی از بزه بزهکاران نیست و ناشی از رخت بر بستن عدالت و مدیریت و حکومت خوب در جامعه ما است.

آقای موسوی تاکید می‌کنند که زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین باعث اصلی همه جنایت‌ها و دروغ‌ها و فساد‌ها است. پرسیدنی است که اشاره ایشان به کدام قانون اساسی است، اگر منظور قانون اساسی جمهوری اسلامی است که باید گفت آنچه حاکمیت در حال حاضر در عرصه سیاسی و اجتماعی انجام می‌دهد بر اساس همین قانون اساسی است که ولی فقیه را در اجرا و هر نوع نگاه به قانون مبسوط الید و صاحب اختیار دانسته است.

حتماً آقای موسوی به عنوان نخست‌وزیر و یک دولتمرد دوران آقای خمینی به اصل ۱۱۰ قانون اساسی توجه داشته و دارند. اصل ۱۱۰ زیر عنوان وظایف و اختیارات رهبری، اختیارات ولی فقیه را فهرست کرده

است. اگر آقای موسوی احیانا این بخش از قانون اساسی را فراموش کرده اند لطفا یکبار دیگر مرور کنند، اما به نظر نمی رسد که آقای موسوی بخش اختیارات رهبری در قانون اساسی را فراموش کرده باشد ولی چون ایشان میدان مانور خود را در محدوده رژیم اسلامی تعیین کرده اند نمی توانند خارج از آن محدوده عمل کنند یا حتی سخن بگویند.

متاسفانه خط قرمزها را همیشه به قدرت نشستگان تعیین نمی کنند بلکه ذهن و اندیشه واپس گرا، منتقدین قانونی را هم در چارچوبهای محدود چنان محبوس داشته که عبور از آن چارچوب ها "بخوان خط قرمزها" شجاعتی در خور می طلبد که متاسفانه در کمتر دولتمردی در جمهوری اسلامی وجود داشته و دارد.

در بخشی از بیانیه هجدهم آقای موسوی تحت عنوان "ارزش های جنبش سبز، کرامت انسانها و پرهیز از خشونت" می خوانیم، نخستین ارزش اجتماعی مد نظر جنبش سبز دفاع از کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر فارغ از ایدئولوژی، مذهب، جنسیت، قومیت اجتماعی است. استقرار و تضمین موازین حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای بشری و حاصل خرد جمعی انسانها مورد تایید و تاکید جنبش سبز است. این حقوق خدادادی است و هیچ فرمانروا، دولت، مجلس یا قدرتی نمی تواند آنها را لغو یا بصورت ناموجه و خودسرانه محدود کند، تحقق این امر مستلزم احترام به اصولی چون برابری، مدارا، گفت و گو، حل مسالمت آمیز مناقشات و صلح طلبی است...

متاسفانه آقای موسوی به گونه ای اعلام مواضع کرده اند که گویی قانون اساسی جمهوری اسلامی را حتی یکبار هم نخوانده اند.

بنده مشفقانه خدمت ایشان عرض می کنم که قانون اساسی جمهوری اسلامی با مواضع ایشان در مورد حقوق بشر به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر تضادی اساسی و بنیادی دارد و اصولا حقوق بشر در مفهوم عام خود با اصل نظام جمهوری اسلامی در تعارض است. آقای موسوی در جایی از همین بیانیه هجدهم نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ابراز وفاداری می کند و خواهان اجرای بدون تنازل قانون اساسی است و در جای دیگر اعلامیه جهانی حقوق بشر را یکی از دستاوردهای بشری و حاصل خرد جمعی انسانها مورد تایید قرار می دهد. آقای موسوی مخاطبین خود را گیج و مبہوت بر جای می گذارد، بیچاره مخاطب که از خود می پرسد: "قانون اساسی جمهوری اسلامی و حقوق بشر!!! جمع این دو مقوله به مثابه جمع آب و آتش است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر انسان صاحب حق است، اما در جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن بشر علی العموم و شهروند ایرانی علی الخصوص صاحب حق نیست، یا بهتر است بگوییم از منظر قانون اساسی ایرانیان شهروند نیستند بلکه امت اند و طبق

قانون اساسی که اختیارات وسیعی در آن برای رهبری در نظر گرفته شده است دیگر حق و حقوقی برای "امت" نمی ماند. "امت" تنها صاحب تکلیف است و عمده ترین تکلیف او اطاعت از رهبری است و اگر گاهی در قانون اساسی از حقوق ملت سخن رفته است چنان با قیدهایی چون "اگر" و "مگر" مقید شده است که در آن عملاً تصویری از حق نمی تواند متصور باشد. ولی فقیه هر وقت اراده کرد می تواند کلیه مواردی که احیاناً به حقوق مردم گوشه چشمی نشان داده است را تحت عنوان مصلحت نظام یا حکم حکومتی یا مکانیزم های دیگری که در قانون اساسی تعبیه شده است کان لم یکن اعلام کند و درست مساله اینجاست که اگر ولی فقیه چنین کند به هیچ وجه غیر قانونی عمل نکرده است، این اختیاراتی است که در اصل ۱۱۰ و اصول دیگر قانون اساسی به او داده شده است.

آقای موسوی در فرازی از بیانیه هجدهم تحت عنوان "عدالت، آزادی، برابری" می نویسند که برقراری آزادی و برابری از اهداف انکار ناپذیر انقلاب اسلامی است. اجازه دهید قبل از هر چیز روی این بخش از بیانیه مکتبی کوتاه داشته باشیم. اگر اهداف انقلاب اسلامی را در منویات رهبر نخستین انقلاب آیت الله خمینی متبلور ببینیم آنوقت نسبت به دیدگاه آقای موسوی راجع به اینکه برقراری آزادی و برابری از اهداف انکار ناپذیر انقلاب اسلامی است در خوشبینانه ترین حالت دچار تردید جدی خواهیم شد. حتماً آقای موسوی به خاطر دارند که آیت الله خمینی در برهه ای از زمامداری خود به صراحت گفتند اگر ۳۰ میلیون ایرانی (جمعیت تقریبی ایران در آنزمان) بگویند "آری" من می گویم "نه"، حتماً آقای موسوی جمهوری اسلامی "نه یک کلمه کم و نه یک کلمه" بیش را بخاطر دارند. از بشکنید قلم ها و فرمان قتل عام ها و دستور لشکر کشی به کردستان و گذاشتن فرمان کتبی قتل و جنایت در دست دیوانه ای چون خلخالی می گذریم، چون شخص جناب مهندس موسوی از بنده که مخالفی فراری و آواره بوده و هستم از اوضاع آن زمان بهتر و بیشتر می دانند. در اینجا سوال محوری و اساسی از جناب مهندس موسوی این است که آیا از فرآیند ۳۰ سال جنایت و دگر اندیش کشی و تخریب همه عرصه های فرهنگی و اجتماعی جامعه نباید ما را به این اندیشه وادار سازد که بدون نقد اساسی و ریشه ای اندیشه و عملکرد آیت الله خمینی و قانون اساسی فعلی که برآمده از ذهن متحجر امام! و اطرافیان ایشان است نمی توان به آزادی و عدالت و حقوق شهروندی مورد نظر آقای موسوی دست یافت.

آقای موسوی در بخشی از بیانیه خود تحت عنوان "هویت سبز گنجینه ایرانی- اسلامی" می نویسند: "جنبش سبز با پذیرش تکثر درون جنبش بر استمرار حضور "دین رحمانی" سرشار از رحمت، شفقت، معنویت، اخلاق و

تکریم انسان تاکید دارد و راه تقویت ارزش های دینی در جامعه را تحکیم وجه اخلاقی و رحمانی دین مبین اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران می داند. ایجاد پیوند میان میراث ایرانی- اسلامی و شوق به توسعه و پیشرفت در جامعه، پرهیز از اکراه مردم به تقید به مرام، مسلک و رویه خاص و همچنین مبارزه با استفاده ابزاری از دین و حفظ استقلال نهادهای دینی و روحانی از حکومت تنها راه حفظ جایگاه والای دین و تداوم نقش برجسته آن در جامعه ایران است که به عنوان یکی از اصول بنیادین جنبش سبز در سرلوحه امور جای می گیرند".

جناب مهندس موسوی از یک طرف خواهان حضور و استمرار دین رحمانی در نظام جمهوری اسلامی هستند و از طرف دیگر خواهان حفظ استقلال نهادهای دینی و روحانی از حکومت، تناقض آشکار در این بخش از این بیانیه ما را از هر گونه توضیح و تفسیری بی نیاز می کند. اما گره ناگشوده آنجاست که آیا این تناقض گویی ها حاصل محدودیت هایی است که آقای موسوی در آن خود را محاط می بینید یا اینکه اصولا تناقض در دستگاه نظری و فکری ایشان است. چنین به نظر می رسد که مهندس موسوی از یکطرف می خواهد همچنان شاگرد "امام" و پیرو مکتب او باقی بماند و از طرف دیگر می داند که اداره جامعه و تامین حقوق شهروندی و ایجاد نهادهای مدنی با آموزه های اسلامی و ایضا دیدگاههای امام راحل شذنی نیست.

اما نکته آخر اینکه جناب مهندس موسوی باید به واقعیت ها توجه و عنایت بیشتری نشان دهند، و از دو پهلوی گویی دست بردارند. اگر ایشان خواهان اجرای بی تنازل قانون اساسی هستند و حضور دین رحمانی را در عرصه سیاسی می پذیرند، پس دعوا بر سر چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحتا شورای نگهبان را مفسر دین و قانون شناخته و مرجع رسیدگی به مصوبات مجلس. لذا اگر مهندس موسوی به اجرای بدون تنازل قانون اساسی معتقدند باید دخالت شورای نگهبان در امور و تفسیر دلبخواه آنان در امور شرعی که اکنون با امور عرفی تداخل داده شده است را بپذیرند و به آنچه که هست تمکین نمایند، اگر هم واقعا خواهان اصلاح این نظام و قانون اساسی آن هستند آنرا با هواداران خویش در میان بگذارند، تا هواداران بدانند کدام بخش از قانون اساسی نظام با منافع مردم در تعارض نیست و کدام بخش هست! چه قسمتهایی از نظام اسلامی را می خواهند اصلاح کنند که با اصلاح آن "امت همیشه در صحنه" به فلاح و رستگاری خواهد رسید؟! و کدام بخش احتیاج به اصلاح ندارد چون متضمن حقوق مردم است و با "اگر" و "مگر" مقید نیست.

جناب آقای مهندس موسوی؛ حتی در همین "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل" هم می توان محکمتر بر شط شب پارو زد و قطب

نمای حرکت را دقیق تر تنظیم نمود.

یک سال بعد...



گفتم که تو ای عمر چرا زود برفتی؟
گفتا چه توان کرد مگر عمر همین بود
گفتم که نه وقت سفرت بود چنین زود
گفتا که مگر مصلحت وقت در این بود*

«من خود این گونه مرگ را خواهانم، تا آن که شما دوستانم، به پاس
خاطر من، زمین را بهتر دوست بدارد.»**

یک سال بعد... جای مریم یوسفی در میان ما خالی است.
به پاس خاطر او، خویشاوندان، دوستان و همراهان مریم گرد هم می
آیند.
لحظه ای با هم، با خود و در خود... برای گرامی داشت او، برای یاد
کردن،

یادمان که همانا روی کردن است... در اندیشه.
اندیشیدن به گذشته، به کنون و به آن چه که فرا می رسد،***
به بی-قراری انسان، شکنندگی وجود،
به هستی تراژیک... چون مقاومت. چون مبارزه.
میترا یوسفی - شیدان وثیق

شنبه 10 ژوئیه 2010

پاریس

Père-Lachaise

ورودی: Gambetta

ساعت: 15

* سلمان ساوجی.

** نیچه: مرگ خود خواسته در: چنین گفت زرتشت.

*** هایدگر: Was Heisst Denken? (آن چیست که اندیشه می نامند؟)

نامه اعتراض به دعوت سفیر ایران

به جشن عروسی ولیعهد سوئد به وزیر امور خارجه سوئد

یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰

روز جمعه ۱۸ ژوئیه به گونه لاند رئیس سازمان جوانان حزب سوسیال دموکرات سوئد، مهرداد درویش پور از جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و نسیم حسینی از گروه دموکراسی سبز نامه ای به کارل بیلد وزیر امور

خارج سوئد نوشتند که در آن از جمله به دعوت سفیر ایران به جشن عروسی ولیعهد سوئد اعتراض کردند
متن این نامه را در زیر می خوانید

به وزیر امور خارجه سوئد

۱۸ ژوئیه ۲۰۱۰

ما با توجه به دعوت وزارت امور خارجه سوئد و دربار شاه از سفیران چند کشور با حکومت های وحشی و دیکتاتور برای شرکت در جشن عروسی ولیعهد سوئد که در آخر همین هفته برگزار می شود این نامه را به شما می نویسیم.

ما امضاء کنندگان این نامه از وزیر امور خارجه می پرسیم رفتار دولت سوئد که يك روز اعدام و خشونت کشورهای چون ایران را محکوم می کند و در گام بعدی هفته ی دیگر آنها را به شرکت در جشن عروسی ولیعهد سوئد دعوت می کند چه پیامی در بر دارد؟

بسیار تاسف برانگیز است که دولت سوئد در مورد نقض حقوق بشر در ایران اصولی و يك دست رفتار نکرده است

بسیار مهم بود که با دعوت نکردن از سفیر ایران و دیگر کشورهای دیکتاتور به جشن عروسی ولیعهد موضع روشنی در برابر آنها اتخاذ می شد.

وزارت امور خارجه بر آن است که مرسوم است در مراسم دولتی از کلیه سفیران کشورهای دیگر دعوت شود. پرسش ما این است چرا برخی عادات و سنتها می بایست بر ارزشهای پایه ای دموکراتیک در سوئد ارجحیت

یا بند.

ما از وزیر امور خارجه سوئد می خواهیم با توجه به مسائل فوق توضیح دهند. بسیاری از ایرانی ها و دیگران نسبت به رفتار منفعل و حتی دوستانه در برابر رژیمهایی که پی در پی حقوق بشر را نقض می کنند سخت شگفت زده و خشمگین هستند

با سلام های دوستانه

یه ته گوته لاند رئیس سازمان جوانان حزب سوسیال دموکرات سوئد
مهرداد درویش پور از جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

تجمع "همگامی" در پاریس برای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ 

فرزانه سید سعیدی
تعدادی از ایرانیان مقیم اروپا با عنوان "همگامی کانونها و نهادهای ایرانی در همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در خارج کشور" بعد از ظهر روز شنبه در حمایت از مبارزات مردم ایران در میدان سان میشل پاریس تجمع کردند.

"کاترین مارگاته" شهردار حزب کمونیست شهر مالاکف در حومه پاریس در این تجمع گفت: از جوانان ایران همچون ندا که یکسال پیش با جان خود درخت آزادی و انقلاب را آبیاری کردند یاد می کنم.

وی افزود: حزب کمونیست فرانسه همیشه برای همبستگی با مردم ایران جهت استقلال، آزادی، لائیسیت و ایجاد عدالت اجتماعی در کنار آنان ایستاده و خواهد ایستاد.

وی همچنین درباره مساله اتمی ایران گفت: ما نمی خواهیم دولت ایران به بمب اتم مجهز شود همانطور که نمی خواهیم دولتهایی مثل اسرائیل بمب اتم داشته باشند، به همین جهت از دولت فرانسه خواسته شد که به صورت برابر بر روی همه دولتهایی که در تلاش برای تهیه بمب اتم هستند مبارزه کند.

وی افزود: همچون همیشه در تمام تظاهرات ایرانیان شرکت خواهم کرد. در زمستان گذشته بسیار خوشحال بودم که در این شهر شبی با شکوه برای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران برگزار شد.

وی تاکید کرد: ایران کشور بزرگی است و به سیاه روزی محکوم نیست و من مطمئنم که روزی در آینده نزدیک همراه هم آزادی مردم ایران را با کشوری مستقل، آزاد و لائیک جشن خواهیم گرفت.

وی همچنین در گفت و گو با خبرنگار ندای آزادی شرکت در راهپیمایی برای حمایت از مبارزات مردمی در ایران را بسیار مهم دانست و افزود: برای کمونیست های فرانسه ابراز همبستگی در دفاع از مبارزات مردم ایران برای آزادی، دموکراسی و پیشرفت بسیار مهم است.

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا تحریم علیه جمهوری اسلامی راه حل مناسبی برای مقابله با این رژیم است، گفت: مردمی که در ایران زندگی می کنند بهتر می توانند به ما درباره تاثیر تحریم ها بگویند. این مساله بسیار حساس است و مردم ایران می توانند به این سوال پاسخ روشن تر دهند.

“اکبر سیف” یکی از اعضای جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نیز در این تجمع گفت: مبارزاتی که مردم ایران دارند در مراحل فوق العاده حساسی قرار دارد و با افت و خیزهای زیادی روبروست اما این جنبش در اعماق جامعه ریشه دارد و قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد.

وی تصریح کرد: با توجه به شرایط اختناق و سرکوبی که در جامعه وجود دارد بسیار اهمیت دارد که ایرانیان مقیم خارج کشور فارغ از تعلقات خود در اشکال مختلف فریاد مردم ایران را در خارج از کشور بلندتر کنند.

وی خاطر نشان کرد: این تجمعات قطعاً در حمایت از مردم ایران موثر است و تاثیرات آن را در گذشته دیده ایم. همین امروز هم می بینیم که حمایت از مردم ایران در خارج کشور چه تاثیری بر کاهش فشار بر مردم ایران، جلوگیری از سرکوب بیشتر و بهتر کردن شرایط زندانیان به اشکال مختلف دارد لذا این شکل از همبستگی باید تقویت شود.

“متین دفتری” عضو دیگری از جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نیز گفت: هر تجمعی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و آزادی و استقلال مفید است ولی ای کاش علامت پرچم ایران در این تجمع برافراشته می شد.

وی با بیان اینکه “هویت” بسیار مهم است، تاکید کرد: ما پرچم سه رنگ خود را در انقلاب مشروطیت به دست آورده ایم که یکی از بزرگترین گامهای مردم ایران در راه دموکراسی بوده است و این پرچم را باید همه جا عزیز نگاه داشته و بالا برافرازیم.

“میشل لوی” جامعه شناس و روشنفکر فرانسوی نیز با پشتیبانی از

مبارزات مردم ایران اظهار داشت: حمایت از مبارزات مردم ایران یکی از وظایف من است.

ژول انگو نماینده حزب سوسیالیست در ناحیه یازدهم پاریس در پیامی گفت: در شرایطی که یک رژیم دیکتاتوری مذهبی مردم خود را سرکوب و زندان می کند و حتی مخالفان خود را اعدام می کند ما تضمین می دهیم که هرگز ساکت نخواهیم نشست و هرگز در برابر مطالبات دمکراتیک جامعه بزرگ مدنی در ایران که زیر دیکتاتوری خفه می شوند سکوت نخواهیم کرد.

وی افزود: ما هرگز ایرانیانی را که به تبعید آمده اند یا ایرانیانی که جان خود را از دست داده اند و یا از دست می دهند به دلیل اینکه جرات کرده اند حق دفاع از حقوق سیاسی و مدنی خود را درخواست کنند، فراموش نخواهیم کرد. ما هرگز به آنها پشت نخواهیم کرد حتی اگر این به آن معنی باشد که بعضی از تحریم ها درباره مساله اتمی ایران برداشته شود چرا که سکوت ما به این معنی است که همه ما در برابر نیرو، زور و خشونت این رژیم تاریک اندیش سر فرود آورده ایم و چنین چیزی را هیچ دمکراتی در دنیا نمی تواند عمل کند. در نتیجه ما همواره آنجا خواهیم بود تا متد های وحشیانه قرون وسطایی رژیم ملاها را افشا کنیم، برای اینکه ایرانیانی را که ما با آنها درباره اتحاد به دمکراسی خصلت جهان شمول و غیر قابل تقسیم حقوق بشر و انسانی شریک هستیم همواره حمایت کنیم. حمایت و دوستی مان را به همه ایرانیانی که در اروپا هستند ابلاغ کنید. در این تجمع "بوعالم" نماینده "سندیکای سولیدر" صمیمانه از اجتماع های اینچنین پشتیبانی کرده و همبستگی خود با مردم ایران را اعلام کرد.

وی افزود: مبارزات مردم ایران نه فقط بر علیه شخص احمدی نژاد است بلکه بر علیه رژیمی است که احمدی نژاد را بر سر کار آورده است و به همین جهت احمدی نژاد را از کل رژیم جمهوری اسلامی جدا نمی کنیم.

وی افزود: ما خواهان لغو حکم اعدام، آزادی همه زندانیان سیاسی و رعایت حقوق کارگران برای ایجاد تشکل های کارگری، انتخابات آزاد، اعاده حقوق اقلیتهای ملی، دمکراسی واقعی، آزادی مطبوعات و پاسخ گویی به خواسته ها و مطالبات کارگران و حقوق بگیران ایران هستیم.

وی همچنین خواستار رفع تبعیض علیه زنان و رعایت حقوق همجنس گرایان شد.

در این تجمع ایرانیان با شعارهایی به زبان فارسی و فرانسوی خواستار آزادی زندانیان سیاسی از جمله دانشجویان، فعالان حقوق زن،

روشنفکران، دگر اندیشان و غیره شدند. "همگامی" در بیانیه ای آورده است: سی سال است که رژیم جمهوری اسلامی، مرگبارتر از رژیم گذشته، ایران را به زندان و زندان را به قتلگاه آزادی خواهان و دگر اندیشان تبدیل کرده است. در جمهوری اسلامی، آزادی خواهان و دگر اندیشان محکوم به اذیت و آزار، دستگیری، شکنجه و اعدام هستند. رژیم جمهوری اسلامی، از دست زدن به هیچ جنایتی نسبت به مردم ایران و تجاوز به حقوق اولیه آنها کوتاهی نمی کند.

در ادامه این بیانیه آمده است: تجربه سی سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بیان این واقعیت است که این نظام اصلاح پذیر نبوده و مانع اصلی بر سر راه تحقق هر گونه تحول و دگرگونی عمیق و متریقی اجتماعی در ایران است. از ایران رو برای مردم ایران راهی جز این باقی نمانده که با قبول هزینه در جهت سرنگونی آن مبارزه کنند. این بیانیه می افزاید: روشن است که در داخل مرزهای ایران به علت خشونت بی حد و اندازه رژیم، خطرهای زیادی بر سر راه آزادی خواهان و دگراندیشان وجود دارد تا نتوانند خواسته های خود را به روشنی بیان کنند، اما اپوزیسیون پیشرو در خارج از کشور این محدودیت ها را ندارد و موظف است که روشن و صریح خواسته های خود را مطرح نماید.

در ادامه این بیانیه آمده است: ما بر این باوریم که تنها با نفی تمامی نظام جمهوری اسلامی و با مطرح کردن روشن خواست های خود باید در این حرکت اعتراضی شرکت کنیم و با توجه به این نکته در خارج از مرزهای ایران از خواست های جنبش اعتراضی زنان، کارگران، دانشجویان، جوانان، و همچنین برای آزادی های سیاسی، فرهنگی، هنری، ملی، قومی، مذهبی، و غیر مذهبی دیگر قشرهای مردم تلاش و مبارزه کنیم.

در این بیانیه خاطر نشان شده است: ما بر این باوریم که امروزه در بستر جنبش های اعتراضی داخل کشور، شرایط بسیار مناسبی برای سازماندهی و هماهنگ کردن حرکت های اعتراضی ایرانیان در خارج کشور بر علیه جمهوری اسلامی وجود دارد که می تواند پشتیبان عملی برای مبارزات مردم در داخل کشور باشد. ما می توانیم با حرکت از وجوه مشترک، فعالیت های خود را در دفاع از مبارزات روزمره مردم و بازتاب آن در سطح افکار عمومی در خارج از مرزهای ایران هماهنگ و سازماندهی کنیم.

در این بیانیه تاکید شده است: کوشش ما بر این است که با گشودن فضای دمکراتیک و گسترش روحیه آزاد اندیشی و برابری خواهی، توان مبارزاتی میان نیروهای مترقی را افزایش دهیم. ما در پی آن هستیم

که عناصر و نیروهای پیشرو با استقلال اندیشه و برابر حقوق، خواست های مشترک خود را در صحنه مبارزات جاری طرح کنند و فعالانه در این راه قدم بردارند که جنبش اعتراضی گسترده نیروهای دمکراتیک، چپ و آزادی خواه ایران برای پشتیبانی از مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی نهادینه شود.

در ادامه این بیانیه آمده است: کوشش ما بر این است که به ایجاد فضای دمکراتیک و روحیه آزاد اندیشی در شهرها کمک و از این راه بر اساس خواست های همگن عمل کنیم. طبیعی است که باید با هم و همراه با یکدیگر روش های نوینی برای همکاری و هماهنگی در فعالیت ها را آزمایش و تجربه کنیم. روشن است که باید محدوده فعالیت های عملی خود را تا حد امکان گسترش دهیم و زمینه های عینی فعالیت هایمان را در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران افزایش دهیم و به همراه آن بر سر تفاوت های نظری و سایه روشن های فکری مان به گفت و گو بپردازیم.

در این بیانیه تصریح شده است: تجربه و فعالیت های مشترک ما در ماههای گذشته، گواه آنست که می توان به یک جو زنده و امید بخش سیاسی دامن زد و مبارزه علیه تمامی نظام جمهوری اسلامی، نظام سلطنتی و افکار بازمانده از نظام های موروثی و ساختارهای فرد محور و ولایت مدار را نیز به طور مشترک تحرک بخشید. حرکت ما می تواند به عنوان یک تجربه عملی در خارج از مرزهای ایران، سرآغازی باشد برای همگامی ضروری و گسترش ارتباط بین همه نیروهایی که هدفشان پشتیبانی از مبارزات مردم، بالا بردن و گسترش خواست های آنان، استقلال ایران، عدم هرگونه دخالت دولتهای خارجی در تعیین سرنوشت مردم ایران و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

"ژان فرانسوا کورب" مسوول بین المللی سندیکای کارگری "ثرت" و "وانینا" نماینده حزب نوین ضد سرمایه داری در سخنانی خواستار حمایت از مبارزات مردم ایران شدند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران (پاریس)، تلاش-کانون حمایت از مبارزات مردم ایران(کلن)، جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران(ماینس و ویسبادن)، جمعیت کردهای مقیم فرانسه، جمعی از فعالین سیاسی و حقوق بشر و سازمان پرایم هلند، شورای همبستگی با جنبش های اجتماعی در ایران (لندن)، شورای هماهنگی ایرانیان(هامبورگ)، شورای حمایت از مبارزات مردم ایران(اشتوتگارت)، کانون پناهندگان سیاسی ایران(برلن)، کانون همبستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران(هانوفر)، کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران (زوریخ)، کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران (بروکسل)، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران(برلن)، کمیته

فعالین چپ(هامبورگ)، شورای سوسیالیست های مسلمان(هلند) و کانون فرهنگی ایرانیان (هلند) با عنوان "همگامی کانون ها و نهادهای ایرانی در همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در خارج کشور" در حمایت از مبارزات مردم ایران فعالیت می کنند.

پشت دعوی اتمی ایران

اقامه دعوا برای ایرانی دیگر

پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰

Paul Schäfer und Jerry Sommer
Jungewelt.de

برگردان ناهید جعفرپور

توضیح مترجم: ترجمه مقاله حاضر که کار تحقیقی دو نفر از نویسندگان معروف آلمانی است، به هیچ وجه به مفهوم تائید نظرات آنان نبوده و صرفاً هدف آگاهی از بحث های مخالف و موافق در باره دعوی اتمی ایران درون روشنفکران اروپا است.

در باره نویسنده: جری زومر ژورنالیست آزاد و محقق مرکز گفتگو های بین المللی شهر بن آلمان و همچنین یکی از نویسندگان کار تحقیقی زیر در سال ۲۰۰۹ است:

New Chances for a Compromise in the Nuclear Dispute with") (Iran?" 2009.

جی روکه فلر رئیس کمیسیون سرویس امنیتی سنای آمریکا در تاریخ ۵ جون ۲۰۰۸ در زمان علنی شدن گزارش بازرسی در باره جنگ عراق گفت: " دیوانسالاری آمریکا در ارائه برهان برای یک جنگی دیگر اطلاعات سازمان امنیت را که کاملاً ضد و نقیص بود و بطور واقعی وجود نداشت بعنوان دلیل و مدرک ارائه نمود. نتیجه این شد که مردم آمریکا به جایی کشانده شدند که باور کنند تهدید از سوی عراق بسیار بزرگتر از آنچه است که درواقعیت می گذرد".

در تاریخ ۱۷ ماه مه برزیل، ترکیه و ایران پیمان مشترکی را در باره مناطقی که سال هاست برجنگی بی شعله در باره برنامه اتمی

ایران رهبری می کند، ارائه نمودند. در این پیمان ایران اعلام نموده است که ۱۲۰۰ کیلوگرم از ۳٫۵ درصد اورانیوم سبک غنی شده اش را به ترکیه صادر می نماید اگر که در عوض مواد سوختی برای رآکتور کوچک تهران به ایران تحویل داده شود.

بدین طریق این شانس وجود دارد که راهی دیپلماسی بر سر دعوای اتمی ایران آغاز گردد. زیرا که این پیمان عمدتاً مطابق است با آنچه که آمریکا، روسیه و فرانسه در اکتبر گذشته در صحبت با ایران خواستار شدند. با این وجود بنظر می رسد که آمریکا در این فاصله نظرش را تغییر داده است و تلاش می کند این پیمان را پیش پا افتاده و یا ندیده بگیرد و در عوض ایران را با تحریم های جدید تحت فشار قرار دهد و به این خاطر هم پیش نویس طرحی جدید به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده است. این طرح تحریمی جدید را که هیچ اقدام تعیین کننده جدیدی را در خود ندارد، قبلاً چین و روسیه و فرانسه و بریتانیا و آلمان هم تائید نموده اند. اگر تحریم های جدیدی تعیین شود، چیزی که با توجه به اپوزسیون های موجود در میان اعضای شورای امنیت چون برزیل و ترکیه و موضع بیطرف روسیه و چین نامطمئن به نظر می رسد و اگر توافق میان ترکیه و برزیل به اجرا در نیاید، در این صورت خطر تشنجات بیشتر بر سر دعوای اتمی ایران وجود خواهد داشت.

مسئول این تشنج بخش بزرگی آمریکاست. رئیس جمهور اوباما با وجود سخنرانی اش در باره " مذاکرات بدون تدارکات " و " احترام متقابل " پشتیبانی شده از سوی بریتانیا، فرانسه و آلمان، هیچ چرخش اساسی در مقابل سیاست ایران نسبت به جرج دبلیو بوش نداشته است و همچنان از سوی آمریکا تلاش می شود بجای توافقات همه جانبه قابل مذاکره، موضع حداکثر به کرسی نشانده شود. این مسئله هم در باره تبادل اورانیوم سبک غنی شده ایران در مقابل مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران و هم در رابطه با مسائل بسیارمهمتر غنی سازی اورانیوم در ایران بطور کل صادق است. بجای این در باره تحریم های سخت تر بحث و گفتگو می شود و این تحریم ها بخشا از سوی شورای امنیت و بخشا از سوی ائتلافیون به اجرا در می آید و یک برنامه نظامی بر علیه ایران روی میز قرار می گیرد. طرفداران یک چنین حمله نظامی مجدداً هر چه بلند تر به طبل هایشان می کوبند.

اوباما فن بیان دیگری دارد اما سیاستش همان است. این فن بیان برای بیرون آمدن از بن بستی که دعوای اتمی ایران در آن گیر کرده است کافی نیست. ادامه سیاست تا کنونی تحریم ها و تهدید به حملات نظامی در هر حال تنها بی راهی (عدم وجود راه حل) را طولانی نمی کند. بلکه تشنجات را در مقابل ایران و همچنین مجموعه خاور نزدیک

ومیا نه تشدید می نماید. این مسئله همزمان تهدیدی است برای اپوزیسیون دمکراسی خواهانه در ایران که بر علیه فشار و عدم وجود حق بیان و تجمع و... و خودکامگی و استبداد دولتی بپا خواسته است.

۱. مواد سوختنی برای رآکتور تحقیقاتی تهران

بعد از مذاکره میان رئیس جمهور ایران و رئیس جمهور برزیل و همچنین نخست وزیر ترکیه این سه کشور در تاریخ ۱۷ ماه مه ۲۰۱۰ برنامه ای را بنام (پلان ۲) برای حل مشکل اتمی ایران توافق نمودند که بر مبنای آن میبایست مشکل مواد سوختی مورد احتیاج ایران برای رآکتور تحقیقاتی تهران حل گردد.

سپس ایران اعلام نمود که ۱۲۰۰ کیلو گرم از ۳،۵ درصد اوران غنی شده در نطنز را در فاصله یک ماه بعد از پایان قرار مدار و مذاکرات به ترکیه صادر خواهد نمود. در آنجا این مقدار اورانیوم انبار می شود تا ایران یکسال بعد ۱۰۰ کیلوگرم مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران را دریافت نماید.

یک پیشنهاد مشابه هم در اکتبر ۲۰۰۹ بعد از مدتی طولانی در اولین مذاکره کشورهای پنج به اضافه یک (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان) مجدداً با ایران در ژنو ارائه گشت که در پیرینسپ تصویب شد.

در اصل موضوع بر سر اقدامات اعتماد انگیز میان تمامی طرفین است - غنی سازی در ایران و خطراتی که غرب احتمال می دهد - .

در هر حال اولین قدم، وارد شدن به مشکل ذکر شده است. تا بدان وسیله عدم اعتماد بسیار زیاد میان طرفین بخصوص میان آمریکا و ایران رفع گردد. امکان ایجاد اعتماد چه از سوی رهبران ایران و چه از سوی آمریکا دیده می شود - حتی اگر از وزنه متفاوت برخوردار است - .

در حالیکه تهران بیش از همه خواهان این است که دلیلی بدست آورد که برنامه اتمی اش چون تا کنون بخصوص از سوی قدرت های غربی کاملاً مورد حمله قرار نگیرد، آمریکائی ها بیش از همه مدرکی می خواهند که ثابت کند ایران اورانیوم غنی شده اش را به واقع برای منظورهائ صلح آمیز استفاده خواهد نمود.

عدم اعتماد همچنین علتی بود برای اینکه بعد از توافق اصولی میان ۶ قدرت نظامی و ایران در تاریخ 1 اکتبر ۲۰۱۰ در ژنو، در مذاکرات اولیه در باره جزئیات میان ایران و روسیه و فرانسه و آمریکا در وین توافقی حاصل نشود.

آژانس بین المللی انرژی اتمی بعد از اینکه ایران می بایست ۱۲۰۰

کیلو اورانیوم سبک غنی شده به روسیه صادر کند، نقشه ای را که از سوی روسیه و فرانسه و آمریکا آماده شده بود، ارائه نمود. از روسیه می بایست در خاتمه ۱۹،۷۵ درصد اوران غنی شده برای تولید مجدد مواد سوختی به فرانسه حمل گردد. این مواد سوختی سپس می بایست - بین ۹ تا ۱۲ ماه بعد از صادر شدن اورانیوم سبک غنی شده در ایران - به تهران فرستاده شوند.

فرق اساسی پیشنهاد جدیدی که از طرف برزیل و ترکیه ارائه شده است این است که اورانیوم سبک غنی شده در ترکیه انبار خواهد شد و ترکیه موظف شده است که آنرا به ایران باز برگرداند اگر که ایران مواد سوختی نگیرد.

در اکتبر گذشته در زمان مذاکرات در وین نماینده ایران همزمان خواهان مبادله اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی شد. بدون اینکه طرح آژانس بین المللی انرژی اتمی را کاملاً رد نماید. پیامد این مسئله این شد که دولت ایران در سیاست داخلی اش بخاطر موضع احتمالی "نرمش" تحت فشار قرار گیرد.

چه از سوی رهبر رفرمیست ایران موسوی و همچنین منتقدین احمدی نژاد در جبهه محافظه کاران، آمادگی احتمالی دولت ایران را برای پذیرفتن طرح آژانس بین المللی محکوم نمودند.

موسوی برای مثال توضیح می دهد که طرح آژانس تمامی تلاش های هزاران دانشمند ایرانی را به باد می دهد.

رفرمیست ها مطمئناً این نگرانی را هم دارند که یک پیمان بین المللی میان ایران و جامعه بین المللی می تواند به نفع سیاست داخلی احمدی نژاد باشد و به اپوزیسیون ضرر خواهد رساند. همزمان منتقدین به این امر اشاره می کنند که طرح آژانس با توجه به موارد خواسته شده درونش هیچ ضمانتی به ایران نمی دهد که به واقع مواد سوختی به ایران تحویل داده شود. این نگرانی را همچنین دولت ایران دارد و آنهم نه بدون دلیل. زیرا که نه فرانسه و نه آمریکا قبلاً وظایفشان را برای تحویل مواد اولیه هسته ای انجام ندادند.

وزیر امور خارجه آمریکا هیلری کلینگتون همین اخیراً مجدداً بر علیه بکار افتادن تاسیسات اتمی ای که در بوشهر توسط روسیه ساخته شده صحبت نمود. در این باره نه آمریکا و نه فرانسه قدم جلو نگذاشته و در ماه اکتبر برای تحریم های جدید بر علیه ایران حرکت نمودند. این مسئله در تهران واکنش ایجاد نمود که مبادا حمل مواد سوختی به ایران در آینده قربانی تحریم ها شود.

پایان سال ۲۰۰۹ رهبریت ایران آمادگی خویش را برای تبادل اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی اعلام نمود اما همچنین خواهان این شد که مبادله همزمان در یک یا چند فرود بر روی سرزمین جمهوری اسلامی

ایران صورت پذیرد. افزون بر این بشکل یک اولتیماتوم اعلام نمود که اگر قراری گذاشته نشود از فوریه سال ۲۰۱۰ خود اورانیوم ۱۹،۷۵ درصد غنی خواهد نمود. البته آمریکا و همچنین آلمان و فرانسه هر گونه مذاکره بعدی را رد نمودند. بخصوص آنها خواهان این شدند که ایران باید ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم سبک غنی شده را از ایران صادر نماید. دلیل این کار را چنین اعلام نمودند که در غیر این صورت ایران هر زمان از این امکان برخوردار خواهد بود که اورانیوم بالا غنی شده برای بمب اتم تولید کند - از این روی تلاش می شود این امکان حداقل به لحاظ زمانی عقب بیافتد. زیرا برای تنها یک بمب اتم به عنوان مواد اولیه نیاز به ۱۴۰۰ کیلو اورانیوم سبک غنی شده می باشد. در اکتبر گذشته ایران از ۱۸۰۰ کیلو و فوریه ۲۰۱۰ در حدود ۲۰۵۰ کیلوگرم برخوردار بود و در ماه مه ۲۰۱۰ باید در حدود ۲۴۰۰ کیلو گرم بشود.

بعد از اینکه قدرت های غربی از قبول تنها مذاکره با ایران سر باز زدند، ایران در ماه فوریه هم اعلام نمود که در تاسیسات نطنز اورانیومی را که ۳،۵ درصد غنی می کرد به ۱۹،۷۵ درصد خواهد رساند. این درجه غنی سازی برای تولید مواد سوختی رآکتور تحقیقاتی تهران ضروری است. اورانیوم غنی شده ۱۹،۷۵ درصد هنوز خیلی با اورانیوم ۹۰٪ که برای ساختن تسلیحات اتمی ضروری است فاصله دارد. اگر ایران اورانیوم ۱۹،۷۵ غنی شده را به مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تبدیل نکند، با این وجود ابزار اولیه برای تولید یک بمب اتم را دارا می باشد. اگر که واقعا نگرانی در باره تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی وجود دارد می بایست بلافاصله در مذاکرات با ایران در باره پیشنهادات متقابل ایران مذاکره نمود و ضرورتا پیشنهادات ایران را قبول نمود. فولکر پرتز رئیس بنیاد دانش و سیاست که با دولت آلمان هم نزدیکی دارد (۳) می گوید: " در این باره می توان پیشنهادات ایران را قبول نمود. اما بجای این گذاشته شد که ایران خود به غنی سازی اورانیوم ۱۹،۷۵ درصد بپردازد و بدینوسیله به تکنولوژی دست یابد که اگر بخواهد یک قدم به بمب اتم نزدیکتر شود".

بی شک طرح آژانس بین المللی انرژی که روی آن مذاکرات صورت پذیرفت در مقابل پیشنهاد متقابل آنزمانی ایران از مزیت بیشتر برخوردار بود به صورتیکه طبق آن ایران مدت زمانی طولانی به اندازه کافی اورانیوم غنی شده در اختیار نداشت و بنابراین هیچگاه نمی توانست از این اورانیوم غنی شده مواد اولیه بمب را بسازد. اما از سوی دیگر اولاً این مدت زمان بسیار کوتاه بود - بیش از ۱۲ ماه طول نمی کشید که تهران به ۱۴۰۰ کیلوگرم مرز مجددا دست یابد. دوماً اگر

ایران کلا بمب اتم می خواست - احتمالش ضعیف بود که این قدم را با مقداری از مواد اولیه هسته ای انجام دهد که برای نهایتا یک یا دو کلاهک اتمی کافی بود. به احتمال قوی ایران منتظر می شد تا اورانیوم بسیار بیشتری برای وقوع خواسته اش در اختیار داشته باشد. با پیشنهاد توافق شده ترکیه و برزیل با ایران یک بستر جدید برای یک راه حل دیپلماسی به وجود آمده. همانطور که از نامه در این فاصله علنی شده اوباما به رئیس جمهور برزیل لولا بر می آید، این پیشنهاد با خواست های ذکر شده اوباما در این نامه تطابق دارد. (۴) بخصوص اوباما تاکید نموده که: "من با شما موافقم که رآکتور تحقیقاتی تهران این امکان را می دهد که راهی برای دیالوگ در رابطه با نگرانی های پایه ای جامعه بین المللی در باره مجموعه برنامه هسته ای ایران گشوده شود... ما اعتقاد داریم که آمادگی ایران برای خارج کردن ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم سبک غنی شده اش از کشور، اعتماد به وجود می آورد و تشنجات منطقه را بشدت تخفیف می دهد. زیرا که در این صورت ذخیره ایران از اورانیوم سبک غنی شده بسیار تقلیل می یابد... من می خواهم عاجلانه از برزیل تقاضا کنم که به ایران توصیه کند که کدام امکاناتی با این پیشنهاد در رابطه است. اینکه اورانیوم در ترکیه به امانت گذاشته شود تا زمانی که مواد سوختی تولید گردد".

با وجود اینکه برزیل و ترکیه موفق شدند ایران را متقاعد سازند که طبق خواست آمریکا اورانیومش را در ترکیه انبار نماید اما دیوانسالاری آمریکا از پیمان میان ترکیه و برزیل و ایران خوش نیامده و برای مذاکرات جدید فوراً اعلام آمادگی ننمود. بجای این وی هم مانند متحدین غربی اش انتقاد نمود که ایران آماده نیست در کل غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد.

آنطور که پیداست خواست اصلی آمریکا این است که طرح قطعنامه ای که از سوی آنها یک روز بعد از پیمان تهران به شورای امنیت ارائه شده است و خواهان تحریم های جدید بر علیه ایران است به اجرا در آید. افزون بر این ماه ها استدلال از سوی آمریکا که اگر ضروری باشد ایران را توسط تحریم ها مجبور به قبول پیشنهادات معاوضه ای برای رآکتور تحقیقاتی می نمائیم و یا از این حرکت نمودن که ایران به تمامی خواست های آمریکا و جامعه بین المللی تن دهد، همه و همه مطمئناً به فشار سیاسی داخلی ای که به دولت اوباما وارد می شود هم ربط دارد. نه تنها جمهوریخواهان بلکه همچنین بخش های دور دمکرات ها در کنگره اعتقاد دارند که تحریم های دیگر بر علیه ایران خطرناک تعیین کننده می باشند. بر خلاف آنها بنظر می رسد که اوباما و یا بهتر بگوئیم دیوانسالاریش مدتهاست که از بدنبال توافقات

اصولی و واقع بینانه گشتن حتی با دشمن دست برداشته اند. در هر حال آرزو این است که واقعا بزودی مذاکرات در باره پیشنهاد ترکیه، برزیل و ایران با آمریکا، روسیه و فرانسه آغاز گردد. همچنین باید در باره مشکلی که در پیشنهاد به آن پرداخته نشده است هم پرداخت اینکه با مقدار کمی اورانیوم که تا کنون ایران تا 19,75 درصد غنی ساخته است، چه باید کرد. البته اوباما هم در نامه اش به لولا در باره این مشکل سخنی نگفته است. با این وجود کاملا درست است که در این باره هم خیلی زود تصمیم گیری شود و راه حلی برایش پیدا نمود. معاون رئیس جمهور ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران علی اکبر صالحی در مصاحبه با فرستنده آمریکائی "ث ب اس" در ماه مارس اعلام نمود که: "اگر آنها امروز بگویند اوکی ما مواد سوختی را تحویل می دهیم ما هم آماده خواهیم بود غنی سازی را تا ۲۰ درصد متوقف سازیم". ۶

این گفته را باید در مذاکرات مورد امتحان قرار گیرد زیرا که مطمئنا از همه بهتر است که اگر ایران اورانیوم بیشتری را تا ۱۹,۷۵ درصد غنی نسازد و مواد اولیه ای را که دارد تحویل دهد. اگر که موفقیت بدست آید و مبادله بر بستر پیشنهاد ترکیه/برزیل/ایران انجام پذیرد، در این صورت شانس هائی برای پروسه های دیپلماتیک گسترده وجود خواهد داشت. بر عکس برقراری تحریم های مجدد این دعوا را در یک بن بست عمیق گرفتار می کند.

۲. تحریم ها در بهترین حالت بی اثرند و در بدترین حالت زیان بارند.

تحریم های تا کنونی سازمان ملل بر علیه ایران از همه بیشتر صادرات کالاهائی را به ایران ممنوع نموده است که برای فعالیت های هسته ای و توسعه موشک ها مورد نیازند.

همچنین ممنوعیت مسافرت و بستن حساب های بانکی تعدادی از افراد مشخص و برخی شرکت ها که چنین فعالیت هائی رابطه دارند را هم به این تحریم ها اضافه می شود. آمریکائی ها مدتهاست که سازمان ملل را برای تحریم های قوی تر مورد فشار قرار می دهند. وزیر امور خارجه آمریکا هیلری کلینگتون اوائل سال ۲۰۱۰ خواهان تحریم های فلج کننده شد اگر که ایران غنی سازی را متوقف نسازد.

در حالیکه دولت اسرائیل و جبهه محافظه کاران در غرب به این هدف چسبیده اند (تحریمات فلج کننده)، دولت آمریکا در سازمان ملل مدتهاست از آنجا که تحریم های دیگر در شورای امنیت از شانسی برخوردار نبوده اند، مجددا از این هدف پشتیبانی می نماید که

تحریم ها کوچکتر شوند.

این مسئله بخصوص در موضع چین و روسیه که اساسا شک دارند که تحریم ها در کل می توانند موثر باشند، دیده می شود. با وجود این که در این فاصله آنها از پیش نویسی برای تحریم های دیگر دفاع نموده اند. رئیس جمهور روسیه برای مثال می گوید که تحریم ها نباید از وزنه ای برخوردار باشند که بر علیه غیر نظامیان باشد. ۷ وزیر امور خارجه روسیه مشخصا می گوید ما می خواهیم اقداماتی را در تحریم ها برقرار سازیم که وضعیت و استاندارد زندگی مردم ایران را وخیم تر نسازد.

افزون بر این برزیل و ترکیه اعضای کنونی شورای امنیت هر گونه تحریم جدیدی را بر علیه ایران رد کرده اند. همچنین پیش نویس جدیدی که ۵ قدرت صاحب وتو به شورای امنیت ارائه نموده اند شامل اقدامات "نرم" می باشند. ۹

مهمترین اقدامات ممنوعیت صادرات ۶ نوع از تسلیحات اختصاصی به ایران است. از جمله تانک، هواپیمای جنگی و کشتی جنگی (ناو و ناوچه) می باشند. در مقابل ضد موشک های ضد هوایی " اس ۳۰۰" روسی دچار چنین ممنوعیتی نگشته است.

از اقدامات دیگر ممنوعیت سفر و بستن حساب بانکی اعضای گارد انقلاب و شرکت های دیگری (از نوع ۱۰ - ۱۳) می باشد. اینکه چه کسانی دچار این تحریم ها شده اند هنوز در باره اش صحبتی نشده است.

البته اینکه این گونه تحریم ها تا چه حد موثر می باشند در باره اش شک وجود دارد. زیرا که حتی کسی نمی داند که چه اشخاصی از چه نام هایی برای حساب های بانکی خود در خارج از ایران استفاده می نمایند. همچنین تعمیر و دادن مواد سوختی (گازوئیل) به کشتی های ایرانی ممنوع گشته است. البته تنها در این صورت که اطلاعاتی در دست باشد که دلائل کافی برای شک باشد. (مثلا کالا های ممنوعه را حمل نمایند (ماده ۱۸)). افزون بر این از تمامی کشور ها خواسته شده است که عملکرد های مالی با ایران را قطع نمایند اگر که دلائلی برای شک وجود داشته باشد که توسط این عملکردهای مالی فعالیت های هسته ای و تکنولوژی های موشکی انجام می پذیرد. (ماده ۲۱)

همچنین از تمامی کشور ها خواسته شده است که برقراری شعبات جدید بانک های ایرانی را در کشور خود ممنوع سازند اگر که این شک وجود داشته باشد که این شعبات در رابطه با برنامه اتمی قرار دارد. (ماده ۲۳)

تحریم های جدید پیشنهاد شده اگر اصولا به تصویب برسند، می بایست پیامد های اقتصادی محدود داشته باشند. البته انتظار می رود که

آمریکا و متحدینش تلاش نمایند که بدین سبب ائتلافی از علاقمندان تحریم اقتصادی به وجود آورند که توسط آن بتوانند تحریم های اقتصادی قوی تری را به تصویب برسانند. مسئله ای که مجدداً از سوی وزیر امور خارجه روسیه مورد نقد قرار گرفته است. ۱۰

بله از آنجا که تحریم های تصویب شده از سوی شورای امنیت از سوی تمامی کشورهای جهان انجام نمی شود برای ایران که ده ها سال تجربه تحریم اقتصادی دارد امکانات بسیاری وجود دارد تا تحریم ها را دور بزند.

بدین وسیله قیمت ها در ایران سرسام آور بالا رفت. اما با توجه به موضع استراتژیک ایران با ذخایر عظیم نفت و گازش و همچنین و تماس های تجاری رشد کننده اش در خاورمیانه با کشورهای پاکستان، هندوستان، مالزی، چین و روسیه ایزوله اقتصادی ایران شدنی نخواهد بود.

افزون بر این با تحریم های جدید احتمالاً همچنین گاردهای انقلاب اسلامی هم قوی تر می شوند، زیرا که قاچاق اجناس به ایران را کنترل نموده و از آن طریق هم پول زیادی بدست خواهند آورد.

البته نمایندگان آمریکا و فرانسه و بریتانیا اشاره می کنند که خواست این تحریم های جدید این است که ایران را به پای میز مذاکرات بکشانند. ۱۱

البته با اعلام آمادگی ایران برای مذاکرات این منطق باورکردنی نیست. قابل قبول تر این است که این هدف و این امید وجود دارد که توسط این تحریم ها ایران را مجبور سازند تا از غنی سازی اورانیوم دست بردارد. اما احتمال اینکه این تحریم ها باعث دسترسی به هدف فوق شود بسیار ضعیف است زیرا که اکثریت به مطلق رهبران ایران به اضافه رهبران رفرمیست از جمله موسوی همه خواهان غنی سازی اورانیوم می باشند.

غنی سازی اورانیوم برای آنها به یک سمبل تکنولوژی، پیشرفت و پرستیژ بین المللی و استقلال ملی تبدیل گشته است.

حتی امید برخی از سیاستمداران غربی که تحریمات بیشتر باعث تغییر رژیم ایران می شود بنظر واقعی نمی رسد زیرا که بر عکس رهبران ایران احتمالاً از این تحریم های جدید برای موفقیت خود استفاده نموده تا بدینوسیله موقعیت خویش را که تحت حملات شدید قرار دارد قوی تر سازند و فضای حرکت اپوزیسیون دمکراسی طلب را تنگ تر سازند.

این خود دلیلی است برای اینکه چرا جنبش اصلاح طلب ایران بر علیه تحریم های جدید و حمله نظامی حرکت می کند. درسپتامبر گذشته میر

حسین موسوی رهبر اپوزیسیون اصلاح طلب تحریم ها را محکوم نموده و ابراز نمود که این تحریم ها ملتی را مجبور به رنج کشیدن خواهد نمود که در هر حال بخاطر رهبران دولتی تاسف آورشان به اندازه کافی در رنجند. ۱۲

وی هم چنین بعد از اعلام پیش نویس جدید برای شورای امنیت بر علیه ایران گفت " در روزهای گذشته تم تحریم ها بر علیه ملت ما مجدداً باب روز شده است. با وجود اینکه ما اعتقاد داریم که این تحریم ها بخاطر سیاست خارجی بی تدبیرانه و ماجراجویانه دولت ایران به وجود آمده است، اما ما مخالف تحریم ها هستیم. زیرا که این تحریم ها به شرایط زندگی ملت ایران لطمه می زند. ۱۳

همچنین شیرین عبادی برنده جایزه صلح اخطار می دهد که " ما بر علیه حمله نظامی و تحریم می باشیم زیرا به مردم ایران لطمه می زنند". ۱۴

ابولحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ که امروز در پاریس در میان سیاستمداران اپوزیسیون ایران در تبعید زندگی می کند می گوید: " تحریم ها برای ایران مفید نیستند زیرا که خطر یک بحران بین المللی برای رژیم ایران تنها برهان باقی مانده است تا توسط آن قدرت استبدادیش را مشروعیت بخشد". ۱۵

تحریم های مجدد شورای امنیت بر علیه ایران تنها تأثیرات منفی بر سیاست ایران نداشته و تنها باعث قدرت دولتمردان ایران نمی شود (انطور که اپوزیسیون ایران ابراز نگرانی می کند) بلکه همزمان دری را هم برای مذاکرات دیپلماسی باز می کنند. دولت ایران تهدید می کند که آمادگی خویش را برای معاوضه اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران بر اساس پیمان با ترکیه و برزیل پس خواهد گرفت اگر که سازمان ملل تحریم های جدید بر علیه ایران بر قرار سازد. این خود باعث می شود که راه حل های دیپلماسی برای حل دعوای اتمی ایران منتفی گردد و مجدداً شعله های آتش در واشنگتن شعله ور تر گردد. زیرا که شدت دادن به تشنجات و ناموفقیت های قابل پیش بینی تحریم های مجدد تغذیه ای خواهد بود برای این نظریه که می بایست از راه حل نظامی بر علیه ایران استفاده نمود تا به ایران فشار آورد دست از غنی سازی بردارد. از تمامی ایت دلائل ذکر شده نتیجه می گیریم که: بهتر این است که از تحریم های مجدد بر علیه ایران فاصله گرفت.

۳. خطر ایرانی - اوراق دوباره و اطلاعات غلط

روزانه سیاستمداران غربی و بدنبال آنان رسانه های جمعی غربی اعلام می کنند که " ایران تلاش دارد بمب اتم بسازد" اما دلائل برای این حکم هنوز مشخص نیست. با توجه به تجربه های اطلاعات غلط یا بخشا جعلی بنام " دلائل اثباتی" برای یک حمله نظامی آمریکا به عراق، نباید مجددا در یک چنین تله ای گیر کرد و مجددا اسیر چنین اشتباهی شد و سریعاً تصمیم گرفت. مطمئناً نباید از این سؤال هم صرف نظر نمود که آیا رهبران ایران سال هاست تلاش برای داشتن تسلیحات اتمی می کنند؟ با توجه به این واقعیت که قدرت نظامی آمریکا که در خاورمیانه و همچنین در سراسر جهان تسلط دارد ایران را بعنوان دشمن خود می داند و مرتباً با حملات نظامی تهدید می کند، بنابراین تلاش ایران برای بدست آوردن تسلیحات اتمی تحت نام دلائل امنیتی قابل تصور می باشد.

این مسئله بخصوص با توجه به رفتار متفاوت آمریکا با " دشمنان دیگر" قابل تصور تر می باشد؛ حمله نظامی به افغانستان و عراق که از تسلیحات اتمی برخوردار نبودند و عدم تهدید و حمله نظامی به کره شمالی که از تسلیحات اتمی برخوردار است.

البته در میان محافظه کاران تند روی ایران صداهائی هم وجود دارد که برای بمب اتم ایرانی بعنوان بهترین محافظ در مقابل حملات نظامی آمریکا حرکت می کنند. ۱۶

حمله نظامی، ایجاد ترس یا محدودیت

در آمریکا مجددا آراء برای حمله نظامی به ایران افزایش یافته است. همچنین از سوی دیوانسالاری اوباما هم مجددا بطور رسمی اعلام شده است که گزینش هائی پیش روی قرار دارند. اما با این وجود در حال حاضر هنوز چه از سوی دولت اوباما و چه از سوی ارتش آمریکا و یا متحدین اروپائی یک گزینش نظامی جدی دنبال نمی شود. زیرا که چین و روسیه و کشورهای دیگر مخالف می باشند.

پشت این مسئله مسلماً تنها قرار گرفتن آمریکا در دوجنگ کنونی افغانستان و عراق نیست بلکه در این فاصله مشخص شده است یک حمله نظامی به ایران و یا حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران تنها منافع حداقل و پیامدهای تعیین کننده منفی بدنبال خواهد داشت.

برنامه اتمی ایران می تواند برای چندین سال به عقب بیافتد اما با این حال می توان از این حرکت نمود که در ایران قدرت هائی تسلط را بدست خواهند گرفت که بمب اتم ایرانی را در یک فاصله زمانی کوتاه توسعه دهند. همزمان در صورت حمله نظامی می توان با ضد حمله ایران

به تاسیسات آمریکا در منطقه و همچنین حمله به اسرائیل و بستن تنگه هرمز حساب نمود. در این صورت صدها هزار کشته بجای خواهند ماند و اقتصاد جهان بشدت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت زیرا که قیمت نفت می تواند به دو برابر برسد. به چهره بین المللی آمریکا و کسانی که حمله به ایران را یاری می کنند بخصوص در جهان اسلام خسارت های مانا و عمیق خواهد رسید. در آن صورت ایجاد صلح در خاورمیانه مشکل خواهد شد و همچنین روند ثبات در عراق و افغانستان با مانع برخورد خواهد نمود.

حتی اگر حمله تنها از جانب اسرائیل باشد بدون کمک آمریکا و همچنین شرکای ائتلافی آمریکا که فضای هوایی منطقه را کنترل می کنند امکان پذیر نخواهد بود. اگر خواسته شود که دولت اسرائیل را از یک حمله خودمختارانه متوقف ساخت، در این صورت آمریکا باید کار دیگری نکند جز اینکه به آنها روشن علامت دهد که به هواپیماهای آمریکائی/اسرائیلی ای که در مسیر ایران پرواز می کنند در فضای هوایی عراق یا ترکیه شلیک خواهد نمود.

به لحاظ سیاسی آنچه که کمک می کند طبیعتا این است که اتحادیه اروپا و یا بهتر بگوئیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به اسرائیل علنا و روشن در باره یک حمله ضد مردمی بر علیه ایران اخطار نمایند. با توجه به "ضررهای" آشکار یک حمله نظامی بر علیه ایران، در باره استراتژی های ترس برانگیز و محدودکننده به عنوان آلترناتیو ممکن بحث و گفتگو می شود و بخشا به آن عمل می گردد. ۱۷. بی شک حتی اگر ایران دارای بمب اتم باشد از آن برای ترساندن استفاده خواهد نمود زیرا اگر که بخواهد با آن به تل آوید یا برلین و یا واشنگتن حمله کند این کار چیزی دیگر جز خودکشی نخواهد بود.

رهبریت جمهوری اسلامی ایران از کسانی تشکیل نشده که بخواهند خودکشی نمایند بلکه بالاترین هدف آنها این است که سیستم خود را حفظ کنند. حتی اسرائیل هم این را می داند. آهود باراک وزیر دفاع اسرائیل می گوید: "من فکر می کنم که ایرانی ها حتی اگر بمب هم داشتند آنها را به سوی همسایگان نشان پرتاب نمی کردند. آنها دقیقا می دانند که این کار چه پیامدهائی دارد. آنها تندرو هستند اما نه اینقدر دیوانه. ۱۸

همچنین زیپگنیو برزنزسکی مشاور امنیتی اسبق آمریکا می گوید: ایرانی ها شاید خطرناک و ریاکار باشند اما در تاریخ آنها چیزی وجود ندارد که نشان دهد آنها اهل خودکشی باشند." ۱۹.

جان آبی زیاد ژنرال آمریکائی و مسئول خاورمیانه آمریکا در فاصله

سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ می گوید: " این اعتقاد نظامی من است که می توان ایران را ترساند". ۲۰

همچنین این امکان بعید است که ایرانی اتمی عکس العملی روی منطقه بگذارد که کشورهای دیگر هم تلاش کنند خود تسلیحات اتمی بسازند. ترکیه که غالباً بعنوان کشوری شناخته شده است که می خواهد تسلیحات اتمی داشته باشد (البته تاکنون از طرف خود ترکیه اعلام نشده است که چنین قصدی دارد) کشور همسایه ای است که رابطه خوب با ایران دارد و همین اخیراً رئیس جمهور آن اردوگان تلاش موفقیت آمیز برای واسطه بر سر تبادل اورانیوم ایران نموده است و ضمناً عضو ناتو است و زیر چتر اتمی آمریکا قرار دارد. نه ترکیه و نه کشورهای عربی چون عربستان سعودی و مصر با توجه به تهدیدات اسرائیل، خود تلاش برای دستیابی به برنامه تسلیحات اتمی ننموده اند. معلوم نیست که آنها بخاطر تسلیحات اتمی ایران خود را مورد تهدید بدانند و حتی اگر این چنین باشد آنها زیر چتر اتمی آمریکا قرار دارند. پیشرفت های آسیای جنوبی هم نشان می دهد که در آنجا هم چنین موردی وجود ندارد. در آنجا کره شمالی سال هاست که مواد اولیه برای تولید تسلیحات هسته ای دارد بدون اینکه برای مثال در کره جنوبی یا ژاپن رقابتی را برای تولید بمب اتم به وجود آورده باشد.

پیامد های سیاسی منطقه ای و جهانی برای تسلیحات اتمی ایرانی با این وجود منفی است و صد درصد بی ثباتی بیشتری را در منطقه ایجاد می کند.

ایجاد وحشت هسته ای بعنوان استراتژی احتمالی بر علیه یک ایران اتمی در حال حاضر هنوز در حد تئوری است. زیرا ایران بمب اتم ندارد و سال ها برای تولید آن وقت نیاز دارد و حتی اگر امروز رهبریت ایران تصمیم بگیرد بمب اتم بسازد در مقابل اقدامات متداول وحشت بر انگیز برای مسلح نمودن منطقه از سوی آمریکا با مدرن ترین تسلیحات در جریان است. پاکت تسلیحاتی به تصمیم دولت بوش بر می گردد که طبق آن تا سال ۲۰۱۷ سیستم تسلیحاتی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار به عربستان سعودی و کشورهای کوچک خلیج هم مرزش از سوی آمریکا فروخته خواهد شد. همزمان آمریکا نقشه دارد به مصر در همین فاصله زمانی تسلیحات به قیمت ۱۳ میلیارد دلار و به اسرائیل حتی به قیمت ۳۰ میلیارد دلار هدیه کند. این مسلح شدن این چنین استدلال می گردد که با یک ایران از قرار توسعه طلب بشکل نظامی روبرو شد. این چنین دولت های عربی از توسعه تسلیحات اتمی باز داشته شدند و باز هم این چنین اسرائیل را آرام نمودند و بدین وسیله از یک حمله نظامی بر علیه ایران توسط اسرائیل جلوگیری نمودند. ۲۱

برای این منظور از سوی آمریکا در حال حاضر در چهار کشور قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت هر کدام دو سیستم موشک ضد هوایی پاتریوت مستقر شده است. در عربستان سعودی و اسرائیل موشک های پاتریوت آمریکائی موجود می باشند. طبق گفته داوید پتروس ژنرال آمریکائی موشک های ضد هوایی در اطراف خلیج فارس هم مستقر می باشند. ۲۲

تهران باید این استراتژی نظامی آمریکا را در منطقه باور کند. مسلح شدن منطقه خاورمیانه با موشک های ضد هوایی و سایر تسلیحات تنها برای مقاصد دفاعی استفاده نمی شود. این سیستم همچنین می تواند مورد استفاده قرار گیرد اگر آمریکا بخواهد به ایران حمله کند. از سوی دیگر همانطور که اوباما در کنگره آمریکا گفته است تمامی گزینش ها روی میز قرار دارند.

۵ . سیاست غرب در باره ایران و توسعه دموکراسی در ایران

سیاست آمریکا و دیگر دولت های غربی تحت تاثیر تحولات داخلی ایران قرار دارد. آمریکائی سال هاست که تغییر رژیم در ایران را ترجیح می دهند. وقایع به هنگام و بعد از انتخابات ریاست جمهوری جون ۲۰۰۹ در ایران کاملاً روشن نمود که بخشی از مردم ایران در شکل اپوزیسیون سبز برای برقراری دموکراسی در کشور حرکت می کنند. البته نباید نادیده گرفته شود که بخش اعظمی از این اپوزیسیون سیستم جمهوری اسلامی را در پرنسپ زیر علامت سؤال نمی برد. اما همچنین این واقعیت ناگفته نماند که رئیس جمهور ایران احمدی نژاد به هیچ وجه بخش اعظمی از مردم ایران را نمایندگی نمی کند اما با وجود اینکه دستگاه قدرت بعد از انتخابات ضعیف شد و با وجود اینکه میان خود محافظه کاران هم اختلاف عقیده وجود دارد اما واقعیت این است که جلوی در هم فعلاً یک انقلاب وجود ندارد. برای این منظور هنوز طرفداران احمدی نژاد در میان مردم قوی است و دستگاه قدرتی بسته و اپوزیسیون ضعیف. ۲۳

محدودیت و یا بهتر بگوئیم عدم وجود آزادی های عقیده و تجمع، دستگیری های منتقدین، حرکات وحشیانه و خشونت بار بر علیه تظاهرکنندگان و اعدام ها در ایران محکوم می باشد. اما با این وجود این ایرانی ها هستند که باید در باره آینده کشورشان تصمیم بگیرند. تغییر رژیم از خارج حال چه بصورت غیر نظامی و چه بصورت نظامی توسط آمریکا و کشورهای دیگر و یا به رهبری آنها نه اخلاقاً پایدار خواهد ماند و نه سودمند خواهد بود. بر عکس هرگونه پشتیبانی مستقیم یا پنهانی این کشور ها از اپوزیسیون کمک به

تقویت موقعیت دستگاه قدرتی ایران می نماید. هر کسی که به برقراری دموکراسی در ایران علاقمند است باید هر کاری انجام دهد تا موقعیت بین المللی ایران از تشنج بدور باشد. هر گونه شدت دادن به تشنجات در مناسبات بین المللی پیامدیش اقدامات مجدد ضد دموکراتیک در داخل کشور و ضعیف شدن اپوزیسیون دموکراسی طلب می باشد. از سوی جرج بوش برنامه ای برای عملیات سری بر علیه ایران شکل گرفت که این برنامه از سوی رئیس جمهور او باما پس گرفته نشد.

در سپتامبر ۲۰۰۹ بعد از اینکه او باما خدمتش را آغاز نمود، ژنرال آمریکا پتروس که فرمانده آمریکا برای خاورمیانه است یک امریه را در باره گسترش عملیات سری نیروی نظامی آمریکا امضا نمود که در آن عملیات اختصاصی در ایران هم قید شده. ۲۴

بدینوسیله می بایست اطلاعات در باره برنامه هسته ای ایران جمع آوری گردد که طبق جمع بندی نیورک تایمز" این اطلاعات می بایست برای حمله نظامی آینده سودمند باشند". ۲۷

یک چنین برنامه ای برای عملیات سری آمریکا درست بمانند تهدید به حمله نظامی و تحریم های اقتصادی مجددی می باشند که مستقیم یا غیر مستقیم به مردم ایران ضربه زده و هدیه ای هستند به دستگاه قدرتی ایران و ضربه هائی خواهد بود بصورت اپوزیسیون دموکراسی خواه ایران. ۲۸

۶. اهداف حقیقی برای مذاکرات اتمی

توافق در باره مبادله اورانیوم سبک غنی شده با مواد سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران این شانس را می دهد که مشکلات اساسی دعوای اتمی به شکل دیپلماسی حل گردد.

البته برای این منظور بیش از همه آمریکا باید سیاستش را تغییر دهد. هدف تا کنونی جامعه بین الملل این بوده است که ایران غنی سازی اورانیوم را در کل تعلیق سازد. در قطعنامه های شورای امنیت هم همین مسئله خواسته شده است. همچنین ۶ قدرت آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان هم یک چنین فرموله ای را به ایران پیشنهاد نموده اند.

تعلیق غنی سازی اورانیوم ایران حتی بعنوان یک پیش شرط برای آغاز مذاکرات فرمالیته خوانده شده است. در این هدف و همچنین در این پیش شرط تغییری به وجود نیامده است - بر خلاف آنچه که او باما بیان نموده است مبنی بر " دیالوگ بدون پیش شرط".

با وجود برخی از مشکلات تکنیکی ساختمان رآکتور غنی سازی اورانیوم

در نطنز در حال پیش روی است. غنی سازی اورانیوم تحت مراقبت آژانس بین المللی انرژی اتمی در حال اجراست. تا کنون آژانس بین المللی انرژی اتمی همواره تائید نموده است که از این رآکتور هیچ مواد اولیه هسته ای برای مقاصد دیگر تولید نشده است. همچنین حتی اگر هدف این باشد که در مجموعه خاورمیانه و نزدیک هیچ غنی سازی اورانیوم - همچنین هیچ رآکتوری اتمی ساخته نشود، این هدف دیگر قابل دسترس نخواهد بود چون ایران غنی سازی اورانیوم را چه مدتی مشخص و چه اساسا کنار نخواهد گذاشت. با این واقعیت باید کنار آمد و از این روی بدنبال بهترین راه حل گشت. این راه حل می تواند از یک سوی به جامعه بین المللی یک اعتماد دراز مدت بدهد که ایران بمب اتم نمی سازد و از سوی دیگر شرایطی را فراهم کند تا ایران برنامه اتمی غیر نظامی منطبق با پیمان عدم گسترش تسلیحات اتمی را به پیش برد و به لحاظ نظامی مورد تهدید قرار نگیرد.

مسئله تکنیکی این توافق احتمالی می تواند در این باشد که برنامه اتمی ایران بطور گسترده تا آنجائی که ممکن است تحت کنترل بین المللی قرار بگیرد. در باره کنترل تا کنونی رآکتور های هسته ای ایران توسط آژانس، تائید و استفاده از پروتکل مکمل آژانس توسط ایران خواسته شود. به این مسئله حق گسترده نظارت اضافی وابسته است. ایران این پروتوکل مکمل را برای مدتی آزادانه استفاده نمود و مجددا آمادگی خویش را اعلام داشت آنرا مورد تائید قرار خواهد داد اگر که پیش شرط های سیاسی مطابق با آن وجود داشته باشند. از این گذشته باید تلاش شود که ایران بجای اینکه چون تا کنون تحت نظر تنها عالیجنابان ملی از رآکتورهای غنی سازی اورانیومش استفاده کند، در فضای یک پیمان بین المللی اینکار را انجام دهد. زیرا که یک چنین مدل موانع تکنیکی اضافی و یا بهتر بگوئیم زمان اخطار بیشتری برای جامعه بین المللی در صورت یک تلاش احتمالی برای گسترش اتمی ایران با خود همراه خواهد داشت.

در این رابطه توماس پیکرینگ معاون وزیر اسبق امور خارجه آمریکا در زمان بیل کلینگتون به همراه ویلیام ویلام سفیر آمریکا و جیمز والش دانشمند پیشنهادی را ارائه دادند. ۲۹

همچنین ایران مجددا توضیح داد که وی آماده است برنامه اتمی اش را از طریق یک پیمان با کشورهای دیگر متوقف سازد. ۳۰

در مذاکرات باید امتحان شود که ایران تا چه حد یک چنین پیشنهادی را برای یک کنترل گسترده فعالیت های اتمی اش جدی می گیرد. افزون بر این باید قابل توجه باشد که در این رابطه شکاف های واقعی از

یکسو در میان رهبریت ایران و همچنین میان رهبران آمریکا و از سوی دیگر میان اپوزیسیون سبز و مردم ایران وجود دارد. زیرا که طبق یک همه پرسی سال ۲۰۰۹ در حدود ۷۲٪ ایرانی ها گفته اند که اگر کمک تکنولوژی گسترده کشورهای دیگر برای برنامه اتمی ایران بعنوان عمل متقابل وجود داشته باشد، حق بازرسی گسترده و همچنین ضمانت برای اینکه دولت ایران بمب اتم نسازد و یا نداشته باشد را ترجیح می دهند. ۳۱

۷. سیاست تنش زدائی بجای ایزوله کردن

در تاریخ تا کنونی همواره تلاش برای بدست آوردن تسلیحات اتمی از این جهت صورت گرفته است که تهدید مشخصی وجود داشته است. رهبران کشورهای که یک چنین تصمیماتی را گرفته اند و یا مردمی که چنین اقداماتی را پشتیبانی نموده اند در مرحله نخست بالا رفتن امنیت کشورشان را مورد نظر داشته اند - در حالیکه باید دید که تا چه حد از طریق تملک تسلیحات اتمی به واقع می توان امنیت یک کشور را بالا برد و یا برده شده است.

همچنین در ایران هم کسانی که تملک تسلیحات اتمی را ترجیح می دهند - و آنهایی که از طیف رهبران کشور نیستند - در مقابل تهدیدات از همه بیشتر آمریکا خواهان داشتن تسلیحات اتمی هستند. ۳۲ یک چنین امید ها و نگرانی هایی را نیمی از ایرانی ها که داشتن بمب اتم را برای کشورشان ترجیح می دهند دارند.

در باره نگرانی امنیت دولت و یا بهتر بگوئیم سیستم کنونی جمهوری اسلامی ایران، تجربیات تاریخی با آمریکا وجود دارد (براندازی دولت انتخابی ایران توسط سیا در سال ۱۹۵۳، پشتیبانی از عراق در زمان جنگ ایران/عراق، قرار دادن ایران در محورهای شر توسط جرج بوش، بحث تغییر رژیم در آمریکا و همچنین مسلح نمودن کنونی منطقه و باز هم تهدید به حمله نظامی در واقع همه اینها برای جمهوری اسلامی کافی است.

دقیقا با این پیش زمینه احساس به تهدید تهران بهترین بستری خواهد بود تا در مقابل جاه طلبی های اتمی موجود ایران موثر بود و از چشم اندازهایی جلوگیری نمود تا بدین وسیله برچنین تصورات رهبران ایران و برگزیدگان دولتی ایران فائق شد.

برای اینکه این احساس به تهدید ایران را حنثی نمود، بجای ایزوله کردن و مقابله باید سیاست تنش زدائی را پیش برد. کافی است که مجددا منطق " هم جوارى مسالمت آمیز" را بخاطر بیاوریم. چیزی که در رابطه با مناسبات با ایران برای مثال چند سال پیش از سوی وزیر

امور خارجه روسيه پيشنهاد شد. در اين رابطه آمريكا مسئوليت خاص دارد. البته اين تنها زماني مي تواند كمك كند كه همچنين شركاي ائتلافي آمريكا هم در اين مسير حركت كنند. يك چنين تغيير استراتژي به سوي سياست تنش زدائي در مقابل ايران مي بايست؛ ضمانتي از سوي آمريكا باشد كه به ايران حمله نخواهد نمود.

عادي سازي رابطه ميان آمريكا و ايران مسلمانان به مفهوم به رسميت شناختن مناسبات متقابل ديپلماتيك و هم چنين آمادگي براي برداشتن ده ها سال تحريم هاي قديمي و همه جانبه آمريكا در مقابل ايران است. پيرو اين سه نكته بايد پيشنهاد ۶ قدرت به ايران براي حل دعوای اتمی بطور اساسی گسترش داده شود تا بدین وسیله به واقع یک تشویقی برای ایران باشد که رد و بدل حداکثر کنترل بین المللی برنامه اتمی اش را قبول نماید.

طبیعتاً تنش زدائي همیشه بايد دو طرفه باشد. مطمئناً اين هم درست است كه تندرويان در تهران پيشنهاد تنش زدائي اساسی را می توانند رد نمایند زیرا كه آنها عقیده دارند كه اين تنش ها سياست داخلی شان را تقويت خواهد نمود و آنها از اين وضعیت سود خواهند برد. اما اين امکان را هم بايد باز گذاشت كه رهبريت ايران سياست تنش زدائي همه جانبه را قبول نماید.

Zit. nach: CNN v. 5.Juni 2008: «Senate report slams Bush 1 over prewar intelligence». 2 «Joint Declaration of the Ministers of Foreign Affairs of Turkey, Iran and Brazil», 17. Mai 2010; veröffentlicht vom Außenministerium der Türkei; http://www.mfa.gov.tr/17_05_2010-joint-declaration-of-the-ministers-of-foreign-affairs-of-turkey-iran-andbrazil_.en.mfa

Volker Perthes, «Jenseits des Atomstreits»; in: «Frankfurter Allgemeine Sonntagszeitung» v. 7. März 2010. 4 Vgl. Brief von Obama an Lula vom 20. April 2010, veröffentlicht in:

<http://www.politicaexterna.com/archives/11023#axzz0pB5f30CQ>.
Folgende Zitate

ebd. 5 Zit. nach: «NIAC Memo: Iran's Nuke Deal Irritates Washington», v. 18. Mai. 2010;
http://www.niacouncil.org/site/News2?page=NewsArticle&id=6513&security=1&ews_iv_ctrl=-1 6 «CBS News Interview with Ali Akbar Salehi»,
Teheran, 13. April 2010;
«Full Transcript: Chief of Iran's Atomic Energy Organization Speaks to Elizabeth Palmer in Tehran»;
<http://www.cbsnews.com/stories/2010/04/13/world/main6390463.shtml>

Zit. in Ria Novosti vom 1. März 2010: «Iran sanctions 7 possible, should be wise, balanced – Medvedev»; <http://en.rian.ru/world/20100301/158056916.html> 8

Zit. nach: RIA Novosti vom 25. Februar 2010: «Russia's Lavrov says no proof Iran working on nuclear weapons»; <http://en.rian.ru/russia/20100225/158000894.html> 9

UNSC Draft Resolution «Iran Resolution Elements»; veröffentlicht in: http://isis-online.org/uploads/isis-reports/documents/UNSC_Iran_resolution_19May2010.pdf 10

«Solche unilateralen Sanktionen über die Entscheidungen der internationalen Gemeinschaft hinaus würden dem Prinzip des internationalen Rechts, wie es in der UN-Charta niedergelegt ist, widersprechen», erklärte das russische Außenministerium am 18. Mai 2010. Zit. nach: <http://en.rian.ru/russia/20100519/159070123.html> 11

«Wir wollen mit den Iranern verhandeln», sagte zum Beispiel der UN-Botschafter Frankreichs, Gerard Araud.

Zit. in «New sanctions against Iran agreed on», http://news.xinhuanet.com/english2010/video/2010-05/19/c_13304

htm 12 Zit. nach:
<http://wonkroom.thinkprogress.org/2010/02/16/gas-sanctions-wouldhurt-goal-of-targeting-irans-revolutionary-guards/> 13 Zit nach
 «Daily Telegraph», London,
 v. 23. Mai 2010: «UN sanctions will hurt ordinary Iranians,
 says Mousavi»; [http://www.
 telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/7756576/UN-
 sanctions-will-hurtordinary-
 Iranians-says-Mousavi.html](http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/7756576/UN-sanctions-will-hurtordinary-Iranians-says-Mousavi.html)
 Zit. in BBC News vom 4. März 2010; 14
[http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_
 east/8549183.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/8549183.stm) 15 Abolhassan Bani-Sadr: «To bash them is to
 help them»; in: International
 Herald Tribune v. 10. März 2010. 16 Zum Beispiel empfahl die
 erzkonservative Zeitung
 Keyhan vom 12. Februar «to plan for acquiring the knowledge
 and the ability to produce
 nuclear weapons which are necessary for the preparation of the
 next phase in the future
 battlefield.» Zitiert in: Takeyh, Ray. Hidden Iran, New York
 2006, p. 150. 17 Vgl. u. a. James Lindsay and Ray Takeyh:
 After Iran Gets the Bomb; in
 Foreign Affairs, März/April 2010. 18 Zit. in: AP News vom
 26.2.2010, Robert Burns: «Israeli
 defense chief doubts Iran would use a nuclear weapon against
 Israel». 19 Zit. in:
 International Herald Tribune v. 15. März 2010; David E.
 Sanger: «Containing Tehran in a
 new nuclear age». 20 Zit. in: AP News v. 27. Oktober 2009,
 Robert Burns: Analysis: «US
 making plans for Iran nuke strategy»; vgl. auch: Bertram,
 Christoph: Partner, nicht Gegner.
 Für eine andere Iran-Politik. Edition Körber-Stiftung, Hamburg
 2008.
 21 Vgl. New York Times, 30. Januar 2010; David Sanger und Eric

Schmitt: «U.S. Speeding Up Missile Defenses in Persian Gulf». 22 Ebd. 23 Vgl. Flynt Leverett/Hillary Leverett: «Another Iranian Revolution? Not Likely»; in: New York Times, 5. Januar 2010. 24 International Herald Tribune v. 16.5.2010: «US is said to expand use of covert action». 25 Ebd. .26 S. oben Kapitel 2

Thomas Pickering/William Luers/James Walsh: «A Solution for the US-Iran Nuclear Standoff», New York Review of Books, Vol. 55, No. 4, 20 März.2008. Vgl. auch James Walsh: «Multilateralizing Iran's fuel cycle: The viable policy option»; in: BICC-Occasional paper: «New Chances for a Compromise in the Nuclear Dispute with Iran?», März 2009. 28 Islamic Republic of Iran. 2006. «Islamic Republic of Iran's Response to the Package Presented on 6 June 2006,» p. 2. 29 Vgl.: «Results of a New Nationwide Public Opinion Survey of Iran before the June 12, 2009 Presidential Elections», Question 13 d; durchgeführt von: Terror Free Tomorrow (The Center for Public Opinion («TFT»), the New America Foundation, and KA Europe SPRL). 30 Vgl. oben, Anmerkung 16. 31 Vgl. oben, Anmerkung 32.

10

9

دعوت به تظاهرات مرکزی همگامان در دفاع از مبارزات مردم ایران

پاریس، شنبه ۱۹ ژوئن از ساعت ۱۶ تا ۱۹

در میدان «سن میشل»

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰



هم میهنان آزادیخواه،

در دفاع از مبارزات مردم ایران، در افشای بیش از سه دهه جنایات مداوم نظام جمهوری اسلامی در سراسر ایران، با خواست لغو فوری مجازات «اعدام»، توقف هر نوع شکنجه و آزادی بی چون و چرای زندانیان سیاسی و عقیدتی و در راستای نفی تمامیت نظام جمهوری اسلامی ایران

از شما دعوت می‌نمائیم تا در متینگ مرکزی «همگامان»، بمناسبت سالگرد اوج خیزش شکوهمند مردمی در روز **شنبه بیست و نهم خردادماه**، از ساعت شانزده الی نوزده، در **میدان «سن میشل» پاریس** برگزار خواهد گردید، شرکت نمائید.

این آکسیون با سخنرانی در مورد اوضاع ایران آغاز خواهد گردید و با خواندن قطعنامه و موزیک گروه دف نوازان پاریس به پایان خواهد رسید.

همگامی کانون‌ها در همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران:

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران (پاریس)؛ تلاش - کانون حمایت از مبارزات مردم ایران (کلن)؛ جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران (ماینس و ویسبادن)؛ جمعیت کردهای مقیم فرانسه؛ جمعی از فعالین سیاسی و حقوق بشر و سازمان پرایم (هلند)؛ شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران (لندن)؛ شورای هماهنگی ایرانیان (هامبورگ)؛ شورای حمایت از مبارزات مردم ایران (اشتوتگارت)؛ شورای سوسیالیست‌های مسلمان (هلند)؛ کانون پناهندگان سیاسی ایران (برلن)؛ کانون فرهنگی ایرانیان (هلند)؛ کانون همبستگی و دفاع از

مبارزات مردم ایران(هانوفر)؛ کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران
(زوریخ)؛ کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران (بروکسل)؛ کمیته دفاع
از زندانیان سیاسی ایران (برلن)؛ کمیته فعالین چپ (هامبورگ)
info@hamgami.org adpoi@hotmail.fr